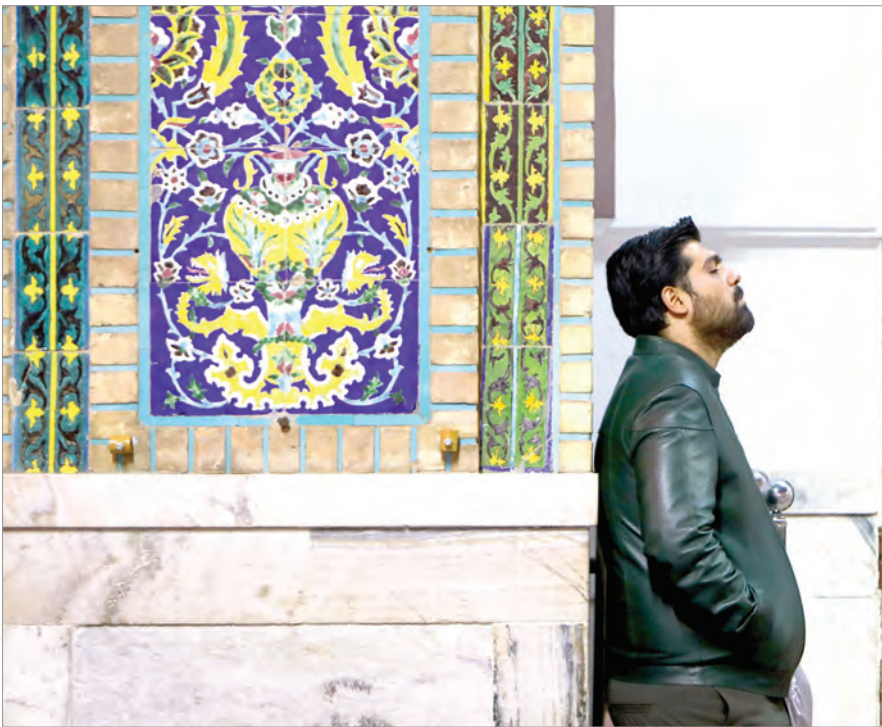


دعای دوازدهم صحیفه سجادیه از اعتراف به گناهان در درگاه پروردگار سخن می گوید

# ای با تو من گشته بسیار



از انتقام است و ای آن که خشنودی اربیش از خشم تو است.» امام سجّاد (ع) در ادامه به نقش توفیق الهی در اعتراف به گناهان و استغفار و طلب بخشش اشاره کرده و توبه را راه نجاتی می‌داند که خدا مقابل گناهکاران قرار داده و اجابت دهد از پادشاهای نیکوکاران می‌خواند؛ «ای کسی که به خاطر گذشت پسنیدیده‌ات، آفریدگارت را به حمد خویش فراخوانده‌ای و ای کسی که بنده‌گانت را به پذیرفتن توبه عادت داده‌ای و ای کسی که اصلاح تباهکاری مردم را به وسیله توبه خواسته‌ای و ای کسی که به عمل اندک بندگان خشنود شده‌ای و کم آنان را پادشاه فراوان داده‌ای و ای کسی که اجابت دعا را برای ارشاد ضامن شده‌ای و ای آن که به فضل و بخشش خویش آنان را به پادشای نیکو وعده داده‌ای.»

■ بر تو است که از خدایت کمک بگیری

یکی از عوامل دیگر توفیق، دعاست. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «علیک بالاستعانه بالله و الرغبة الیه فی توفیقک»؛ یعنی بر تو است از خدایت کمک بگیر و تو توفیق را از او طلب کن. (غرر الحکم، ۲۳۰) همان عملی که امام سجّاد (ع) اشاره به آن فرمایند و خود چگونگی آن را آموزش می‌دهد. ایشان به در ادامه بخش اول دعا را می‌خوانیم: «ای خدای من، ایک خدای منم که به پیشگاه عزّت همچون تسلیم‌شونده دلیل ایستاده‌ام و با شرم و حیا همچون نیازمندی عیالوار از تو درخواست می‌کنم. ایشان در ادامه به شرح آنچه می‌پردازد که بنده معترف باید به آن اذعان کند»؛ و معترف در که هنگام احسان تو، جز خودداری از بمعصیت طاعتی نکرده‌ام و هیچ‌گاه از نعمت بی بهره نبوده‌ام. خدایا اکنون که در برابر به زشتی اعمال اعتراف می‌کنم، آیا برایم سودی خواهد داشت و آیا اقرار به زشتی آنچه انجام داده‌ام، مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟».

آن سه عبارت است از امری که به آن فرمان داده‌ای و من در انجامش کندی کردم و کاری که مرا از آن نهی کردی و به سویش شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی ولی در شکرگزاری‌اش کوتاهی کردم». با توجه به این فراز، سستی در انجام دستورات الهی، اشتیاق به گناه و عدم شکرگزاری به خاطر نعمت‌ها، سه عاملی هستند که توفیق دعا را از ما سلب می‌کنند.

**پریخانه عامل نیک** | بسیاری از ما ناخودآگاه مشغول نقش بازی کردن هستیم، نقش بازی می‌کنیم تا هم نزد خودمان و هم نزد اطرافیانمان چهره‌ای مطلوب و موجه بسازیم. این در حالی است که چه در حوزه رشد و توسعه فردی و چه در سلوک و رشد معنوی، گام نخست برای هر طریقی، شناخت خود واقعی و پذیرش خود با همه کاستی‌هایش است. این قدم در مسیر معنوی یک بخش مهم دارد که آن، اعتراف به کاستی‌ها و کمبودها در مقابل پروردگار است.

قدیمی که در احادیث شیعی با مضمون دعوت به اعتراف به گناه و توبه در پیشگاه خداوند به آن پرداخته‌اند. اینچنان که کلینی در اصول کافی یک باب را با عنوان «بَابُ الْاِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ وَالتَّوْبَةِ وَالتَّوْبَةُ عَلَيْنَا» باب اعتراف به گناهان و پشیمانی نسبت به آن‌ها<sup>۱</sup> به همین موضوع اختصاص داده است. موضوعی که در ادعیه به‌جا مانده از اهل بیت(ع) و بزرگان دین نیز تکرار شده است و اساس سجد(ع) در دعای دوازدهم ضحیفه صحیفه با اشاره به مضامین دقیق، سنجیده و دوازده‌گانه آن پرداخته است. در ادامه با هم مروری بر مضامین این نیایش خواهیم داشت.

۳۰ **سدر برابر دعا**

امام سجاده (ع) در مقام نیاشگر در دعای دوازدهم، نخست به توضیح صفاتی می‌پردازد که موجب سلب توفیق از دعا می‌شوند. برای درک بهتر معنای «سلب توفیق» لازم است از ادبیات دینی و عرفانی کمک بگیریم. در این ادبیات، توفیق در اصطلاح به معنای این است که خداوند مقدمات لازم برای رسیدن به هدف و منظوری را برای بنده‌اش مهیا می‌کند و سلب توفیق به از بین رفتن و محروم شدن از این ملزومات و مقدمات اشاره دارد. براساس آموزه‌های دین، این سلب توفیق به دلیل برخی از اعمال ماست. اعمالی که مرا از درگاه خداوند دور کرده و سبب می‌شوند از نیایش و درخواست فراموشش شود. بهر شیوه، امام سجاده (ع) در خاک نخست این دعا درآیند برای جان می‌فرماید: «پروردگارا سه خصلت، مرا از اینکه چیزی از تو بخواهم بامری دارم...

زیبایی زن (مثلاً موی سر)، از لفظ عام‌بری که همه بیبایی‌های زن را دربرمی‌گیرد و از آن تعبیر به زینت شود، استفاده کرده و در یک بیان کلی می‌فرماید: «لَا يُدْبِنُ زِينَتَهُنَّ». در معنای «جلباب» که در آیه ۵۹ مورد احزاب آمده است، مفسر کبیر علامه طباطبائی «المیزان» می‌نویسد: «جلباب جمع جلباب است و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را بپوشاند و یا زورسری مخصوصی است که صورت سر را ستر می‌شود و منظور از جمله «پیش بکشند قدری از جلباب خود را» این است آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انتظار ناظران پیدانباشد». ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۰)

تأمل در همین دوازه دقیق قرآنی، «خمار و جلباب» غسران و فقه‌ای می‌گویند حجاب به معنای پوشش ملامی بر زن و آبان است.

و آن مسلمانان در حفظ و رعایت «عفاف و حجاب» و آن مل به این فریضه و تکلیف، به سه دسته تقسیم می‌شوند.

- دسته نخست، زنانی هستند که از عفت باطنی درونی تهی و خالی هستند. از همین رو، نه تنها طوطی خود را در بی‌قیدی نسبت به پوشش اسلامی نشان می‌دهد، بلکه با صاف‌مهر آرایش و گریم کردن، خودش را در معرض نگاه نامحرم قرار می‌دهند و آنان و منزلت خود را پایین می‌آورند.
- دسته دوم، زنانی هستند که علاوه بر عفت باطنی درونی، از حجاب و پوشش اسلامی چون مانع بلند استفاده می‌کنند.
- دسته سوم، زنانی هستند که نه تنها از عفت باطنی خودروانند از حجاب اسلامی استفاده می‌کنند، بلکه حجاب برتر که چادر است، بهره می‌برند.

خمار در اصل به معنای پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن، سر خود را می‌پوشانند، مانند روسری. برخی دیگر از مفسران در معنای خمار چنین آورده‌اند که خمار همان مقنعه است. در شأن نزول آمده است: «سوره نوح در شأنه پیش از نزول این آیه، نزل دامنه روسری خود را بر شانه‌های پشت سر می‌افکند، به طوری که گردن و قسمتی از سینه آن‌ها نمایان بود و موجب می‌شد نظر نامحرمان به سوی آنان جلب شود و همین نظرهای گاهی مسائلی را به دنبال داشت. لذا با نزول این آیه شریفه، خداوند به زنان دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود می‌افکند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است، مستور شود». بدین ترتیب، خمار به معنای خمار و کاربرد آن در معنای دیگری جز پوششی که سر گردن و قسمتی از سینه زنان را بپوشاند، از آن اراده می‌شود. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳۵-۴۴۰)

علاوه بر بخش ابتدایی آیه ۳۱ سوره نوح، لزوم پوشش زینت‌های زن مورد تأکید قرار گرفته و می‌فرماید: «وُذِیْبَیْنِ زَیْنَتَھُنَّ...» و نباید زینت خویش را آشکار کنند. زینت چیزی است که موجب زیبایی، آراستگی و نیکویی زن شود، خواه عرضی باشد یا ذاتی. نهی قرآن در این مورد نسبت به هر چیزی است که عرف مردم، آن را زینت و زیبایی به حساب می‌آورد و تفاوتی وجود ندارد که زینت مثل گلوند و گوشواره از بدن جدا بوده یا مثل آرایش و تزئین به چهره و بدن متصل و یا زینتی طبیعی نظیر موی سر یا جلوه‌های بدن باشد؛ و در اینکه یکی از زینت‌ها و جمال‌های بشر، به خصوص خانم‌ها، موی سر است، شکی نیست.

بدین ترتیب، قرآن کریم درخصوص وجوب پوشش موی سر، به جای اشاره و تأکید بر یکی از مصادیق زینت

خویش (فرو) اندازند.

هچنین رد آیه ۵۹ سوره احزاب می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَبَنَاتٍ وَسَوَاءٌ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ عَلِمُوا مِنْ جَلَابِئِهِمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفُوا فَلَا يُؤْذِينَ»

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو و سوری های بلند بر خود ببندند، این (عمل) مناسبتر است تا (به غفلت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و خداوند آمرزنده مهربان است.

«عَفَا» از قوه معنوی و تقوای باطنی است که مردان و زنان را از هرگونه نرگی، چشم چرانی و خودنمایی که موجب تحریک شهوت و غریزه جنس مخالف در نامفرد می‌شود، باز می‌دارد. از همین رو، رابع در «المفردات» می‌نویسد: «عَفَتَ به معنی پدید آمدن حالتی در نفس است که آدمی را از غلبه شهوت باز می‌دارد و «عَفِيفٌ» به کسی گفته می‌شود که دارای این وصف و حالت باشد». مؤلف «التحقیق» می‌نویسد: «این ماده در اصل، به معنی حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است؛ همان‌گونه که تقوا به معنی حفظ نفس از انجام گناهان است، بنابراین عَفَتَ یک صفت درونی است؛ در حالی که تقوا ناظر به اعمال خارجی است.» (التحقیق فی کلمات القرآن، مصطفوی، ج ۸، ص ۱۸۰)

بنابراین «عَفَت» از بزرگ‌ترین فضائل انسانی است و هیچ‌کس در سیر الی الهی، بدون داشتن «عَفَت» به جایی نمی‌رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو، حیثیت و شخصیت انسان در گرو عَفَت است.

دلیل بر حجاب و پوشش اسلامی، «عَفَا» در آیه ۳۱ سوره نور و «خَالِبِیْ» در آیه ۵۱ سوره احزاب است؛ چراکه در معنای خمار آمده است:

یادداشت

حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده، عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

درسنامه سبک زندگی فاطمی؛ بخش اول

## عفاف و حجاب؛

**میراث ماندگار ام‌ایرها** 

در این روزهای حزن انگیز که به شهادت مظلومانه پاره تن پیامبر (ص) حضرت فاطمه زهرا (س) تعلق دارد، بهترین راه برای عرض ارادت و کسب معرفت، بازخوانی ابعاد گوناگون سبک زندگی آن اسوه یتدیل است. در نخستین گام از این درسنامه، به یکی از اساسی ترین و درخشان ترین ویژگی های سیره ظاهری، یعنی «عفاف و حجاب» می پردازیم؛ خمبصصای که نه فقط یک پوشش ظاهری، بلکه تجلی گاه کرامت، وقار و شخصیت والای یک زن مسلمان در محضر الهی و عرصه اجتماع است. تبیین همه جانبه این خمبصصه مبتنی بر توضیح تدریجی کلیه ایست «عفاف و حجاب» در فضیلت اخلاقی و رفتاری است که قرآن، مردان و زنان را به «عفاف» و به ویژه زنان را به رعایت «حجاب» مکلف و موظف کرده است. از همین رو، قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره نور می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ مَغْضُضَاتُ أَبْصَارِهِنَّ وَحِفْظُ فُرُوجِهِنَّ وَلاَ يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلاَ يُكْشَرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُوهِهِنَّ» و به زنان و بانایان بگو دیدگان خود را (از زهر حجب می) فروبندند، و پاکدامنی ورزند و بپوشی های آشکار نکنند، مگر آنچه طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه

گزارشی از بازی و لذت کودکانه زائران کوچک  
در مجتمع‌های میان‌راهی امام رضا (ع)

مسیر زیارت برای کودکان هم  
دوست داشتنی شد

ن راه‌های منتهی به مشهد (رضاع)، جایی میان گرما و جاده و خستگی سفر، صدای خنده کودکان بلند است. در بهای میان راهی امام (رضاع) که به بهت مؤسسه موقوفه آثار بنیاد کرامت رضوی ساخته شده مسیر زیارت تنها راهی نیست؛ تجربه‌ای از شادی، آرامش و تربیت است و در مسیر، خودبخشی از لذت زیارت است.

شما آستان نیوز، تاب‌ها در نسیم گرم ظهر از این سو به آن سو دودهای خنده کودکان در هوای جاده می‌پیچد. کنار چادرهای تپه که هر کدام یک رنگ دارد، پدروها مادرها نشسته‌اند و از دور، میان بهر فرزندانشان است که شادو خرم از سراسر پایی می‌آیند به بالای می‌دوند، سوار تاب می‌شوند و در آسمان خیالشان پرواز می‌دهد، روی الکلیگ بالا پایی می‌دهند و خنده‌های زبانشان می‌شود. خستگی مسیر، انگار در همین چند دقیقه‌بازی رنگ اینجا، در میان راه زیارت، جاده‌ی آرامش می‌دهد و اقتضای روز راه آنرا کوچه می‌دهد. تاب و سوار سراسر، که‌ای از آفتاب (رضاع) است که پیش از رسیدن، در دل کودکان می‌نشیند. کوچکشان در مسیر زیارت، شایسته نرمی و نشاط است و در مجتمع‌های میان راهی امام (رضاع)، مسیر، خودبخشی نمازخانه و خدمات عمومی، بخشی نیز به کودکان و نوجوانان ای صفت تا آنان هم سهمی از زیبایی سفر داشته باشند. کسای که احوال انگیز با تاب، سراسر و وسایل بازی رنگارنگ، خستگی راه از تن کودکان بیرون می‌برد، بلکه مسیر زیارت را نواده‌ها تن بخشش تر می‌کند.

فلسفه خدمت، تنها در تأمین رفاه خاصه نمی شود؛ بلکه از جنس تربیت و مهربانی در میان است. مسئولان نباید روضی باور دارند «زیارت» از همان قدم‌های کوچک آغاز می‌شود؛ قدم‌هایی که اگر با لبخند و تجربه‌ای شیرین همراه شود، عمیق‌تری از محبت امام در دل کودک شکل می‌گیرد. در پایان، شاید خستگی جاده در چهره زیارت‌کننده پیدا باشد، اما این کودک، تنها به‌تأثیر یک تجربه‌ای دیده می‌شود؛ شهادتنامه‌ای که برایشان با خنده‌های آغاز شده و با سلام بر «شهدا امام‌ها» به پایان می‌رسد. اینجا، مسیر زیارت هم زیباست.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه  
مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی کشور:

بانوان، قدرتمندترین راویان انقلاب  
در میدان جنگ روایت‌ها هستند

فیثت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی گفت: امروز، نبرد اصلی در میدان معنا و ذهنیت جامعه جریان انان به عنوان رابیان حقیقی و کنشگران میدان روایت، نقشی ل در جهت دهی به افکار عمومی دارند.

ورش آستان‌نیوز، برنامه‌زنده «امروز و سلاحي که در دست است» با موضوع جنگ روايت‌ها و كشتگري زنان در ساخت و بناي نسبت هفته پادفند غير عامل و در راستاي سلسله هماهنگي پرهان (ضامن رهر و انقلاب اسلامي) با حضور هماهنگي خادمي، مدير عمومي پژوهشگاه مطالعات اجتماعي و تمدني و مدير اسبق عمومي فرهنگ عمومي و همچنين خادمايم و كشتگر عرصه زنان و خانواده از مركز امور بانوان و خانواده بنياد كرامت رضوي برگزار شد. نشست، دكتر خادمي به تبئين مفهوم «حكمراني روايت» و دشمن در پاسخ به پرسش نخست مبني بر اين كه جنگ با دشمن و خطرناك تر است يا نبرد روايي مي باشد، به اظهار كرد: امروز جنگ با دشمن به عنوان ميدان اصلي شناختي، نه تنها در تقابل با دشمن خارجي بلكه در زخمور گري نهادهاي داخلي نيز خود را نشان مي دهد. آنچه نيت‌ساز است، انجمار روايت كلان انقلاب اسلامي است توسط نهادهاي فرهنگي و رسانه‌اي حفظ و تقويت شود. بدو: دشمنان انقلاب اسلامي پس از ناکاهي جنگ سخت و قتصادي، ميدان روايت را به عنوان جبهه مبني نبرد انتخاب کردند. در ذهنييت عمومي، ايران را به عنوان «تهديد جبهه» كنند. در چنين شرايطي، هرگونه جنبدالي و نشت در نهاي داخلي، ناخواسته در راستاي اهداف آنان عمل مي كند.

س در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش بانوان در صحیح‌آزمایی مسائل کشور تصریح کرد: زنان به دلیل ویژگی‌های عاطفی، قدرت ارتباطی و شبکه‌سازی اجتماعی، بهترین معنادار جامعه‌اند. آنان از خانواده تا محیط‌های اجتماعی، ای می‌گیرند و ارتباط و تأثیر را در اختیار دارند و می‌توانند حامل و دکننده روایت اصیل انقلاب اسلامی باشند.

نیز می‌گوید: همان‌گونه که مادر، نخستین راوی زندگی فرزندان است، زنان در جامعه نیز روابیان نخستین معنا و هویت‌اند. منظر ظریفیت عظیم در خدمت گفتمان انقلاب قرار گیرد، این تحریف‌ها و عملیات روانی دشمن خشتی خواهد شد. نواز دانشگاه‌دار با پاسخ به پرسشی درباره شیوه‌های ایجاد امید می‌گوید: جامعه‌گفتی، محصول حکمرانی مستقیم بر مردم است؛ زمانی که روایت کلان جامعه‌روشن و باورپذیر باشد، مردم حضور در مسیر درست می‌کنند. در این میان، تقویت‌های اصیل و دستاوردهای انقلاب، تبیین درست تهدیدها و دادن افق‌های روشن آینده، مهم‌ترین راهکار برای تقویت امید و اعتماد است. خادمی با اشاره به ضرورت بازآفرینی نقش نهادهای فرهنگی در عرصه‌های افروز، حرم‌محطه امام‌زراغ) و آستان‌ضوی از اصیل‌ترین شیوه‌های ترویج معنی کشور هستند. ادها به دلیل پیوند عمیق با باورهای مردم، می‌توانند نقش در انتقال روایت کلان انقلاب اسلامی ایفا کرده و اتصال میان جامعه و حکمرانی روایت را تقویت کنند. پایان‌خاطر نشان کرد: امروز، جهان درگیر حکمرانی معناست. رتی که بنیان ذهنیت‌ها را هدایت کند، آینده را در اختیار دارد. در چنین شرایطی، انقلاب اسلامی باید روایت خود را زنده نگه‌دارد و با ترویج و توزیع آن در زنان در این مسیر، پیشگامان این بین هستند.